

اما محبت اخیار چون منشأ آن ارتباط روحانی و اتحاد جانیت
 ناز عارض نفع و لذت و مقصد ایشان خیر محض است که بتلا
 بان راه نیست از مشوب مخالف و منازعت و ملائت و تنگنا
 خالی باشد اینست معنی آنچه حکما گفته اند که دوست تو کسی
 که او تو باشد بحقیقت و غیر تو بصورت و این نیز که بریت
 احر است و شیخ ابوعلی سینا در مطلع رساله ایطرب مبالغه
 در عزت وجود این نوع دوستی نموده چرا که مردم را اطلاع بر
 خیر نیست و محبت ایشان مبینی بر لذت با منفعت است و هر چه بشی
 بر عوارض باشد هم بجز این نایل شود و محبت اکثر سلاطین با رعایا
 از خیر است که ایشان بر رعایا منعم و متفضل اند و هر آینه منعم
 منعم علیه را دوست دارد و محبت پدر فرزند را از آنجمله که برو
 حقوق دارد ازین قبیل است اما از وجهی دیگر او را با فرزند محبتی
 ذاتیست چرا که این نیز نفس خود و اند و صورت او را نسوزد و اند
 که طبیعت از صورت او نقل کرده و مثالی که بر لوح فطرت از بیانات
 او ثبت نموده و فی الواقع تصور صواب است چه پدر سبب صوری خود

فرزند است و ماده بدن او جزوی از او و در خلق مشارک او و آنچه
 است که پدر هر محال که خود را فرزند را خواهد بلکه خواهد که فرزند
 از او افضل باشد و بر جان فرزند بر خود خرم شود و بتفضل فرزند
 بر دوزان قنبل شکر که گویند که او خود اکنون انکس است از آنچه
 سابقا بود و بخفا که باین سخن مسرور شود و بتفضل فرزند نیز
 خرم شود و بغیر ازین محبت فرزند را سبب دیگر است که خود را
 منعم و متفضل بر او میدارد و چنانچه در سلطان در رعیت گفته شد
 هر چند تربیت او زیاد کند این محبت زیاد شود و دیگر آنکه بگوید
 او امید مقاصد و مطالب دارد و وجود او را بعد از خود بقای
 ثانی میداند و این معانی اگر جز بتفصیل اکثر پدران را معلوم نیست
 فلما شعور اجمالی باین دارند سبب دیگر کسی صورتی را از برای
 حجاب پند و در صورت محبت و غیر آن این نفع از علم حکمیت
 و محبت فرزند پدید از محبت پدر او را کمتر است چه وجود او
 سبب وجود پدر است و متاخر از او و بعد از مدتی باین
 حال اطلاع یابد و گنایا پدر را از پند و مدتی با او اشتغال نیاید